

تحلیلی اجتماعی و سیاسی بر آسیب‌شناسی تحقق سبک زندگی اهل بیت(ع)

محسن محمدی*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۹/۲۰

تاریخ تأیید: ۱۳۹۳/۱۰/۲۵

چکیده

سبک زندگی یکی از مهم‌ترین مفاهیم علوم اجتماعی است که در باورها و ارزش‌های هر جامعه ریشه دارد. تعالیم اهل بیت(ع) نیز سبک زندگی ویژه‌ای را در راستای سعادت بشر تعریف می‌نماید. عوامل متعددی می‌تواند مانع تحقق این سبک زندگی شود که عوامل سیاسی و اجتماعی از مهم‌ترین آنهاست. یکی از این عوامل نوع و ساختار حکومت است. بر اساس ویژگی‌های مفهومی سبک زندگی که دانش، گرایش و کنش را در عرصه سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی دربر می‌گیرد، می‌توان آثار حکومت استبدادی را در تقابل با سبک زندگی اهل بیت(ع)، در مؤلفه‌هایی مانند روزمرگی، تقلید اجتماعی، خشونت، تقدیرگرایی، ناامیدی، فقدان غایات اجتماعی، عدم مشارکت سیاسی، قانون‌شکنی، فساد و کم‌کاری مشاهده کرد.

واژه‌های کلیدی:

سبک زندگی، استبداد، نظام سیاسی، روزمرگی، خودمداری.

سیاست‌مناهی

- سال دوم
- شماره ششم
- پاییز ۹۳

تحلیلی اجتماعی

و سیاسی بر
آسیب‌شناسی
تحقق سبک
زندگی اهل بیت(ع)
(۴۷ تا ۶۸)

مقدمه

سبک زندگی مبین بخشی از فرهنگ است که در جوامع امروزی، نقش مهمی در زندگی مردم دارد؛ زیرا با مسائل کلیدی و حساسی همچون هویت (تمایز) فردی و اجتماعی، فعلیت بخشیدن به قدرت تشخیص و انتخاب یا دست کم، ایجاد احساس آزادی عمل پیوند خورده است؛ مسائلی که پاره‌ای از بنیادی‌ترین جنبه‌های انسانی را دربرمی‌گیرد. بدین ترتیب، اهمیت مفهوم سبک زندگی در این است که سطحی‌ترین لایه‌های زندگی، مانند آرایش مو و لباس را به عمیق‌ترین لایه‌های آن پیوند می‌زند. (مهدوی کنی، ۱۳۸۷: ۱۷ و ۱۸) بنابراین سبک زندگی، مفهومی سهل و ممتنع است که حیطه گسترده‌ای را شامل می‌شود و یکی از مهم‌ترین مباحث و شاخص‌های فرهنگی در هر جامعه است.

آموزه‌های اهل بیت(ع) سبک زندگی ویژه‌ای را بر اساس نگرش‌ها، باورها و رفتارهای دینی پیشنهاد می‌کند که میزان پای‌بندی به آنها، سطح دین‌داری افراد جامعه را نشان می‌دهد؛ به عبارت دیگر، هدایت‌گری اهل بیت(ع) و پیمودن مسیر سعادت بر اساس فرموده‌های آنان، در قالب یک برنامه عبادی است که شئون دنیوی و اخروی را دربرمی‌گیرد و سبک خاصی از زندگی را ایجاد می‌کند و پیش روی اعضای جامعه قرار می‌دهد. در واقع اهل بیت(ع) برای هدایت بشر، سبک خاصی از زندگی را تبیین کرده‌اند که سعادت بشر را تأمین می‌کند. این سبک زندگی، همه عرصه‌های حیات بشر را در بر می‌گیرد. با توجه به گستردگی و عمق این سبک زندگی، عوامل متعددی می‌تواند مانع از عملیاتی شدن آن در جامعه شود. مهم‌ترین این عوامل، به حوزه سیاسی و اجتماعی برمی‌گردد که نوع و نظام حکومتی و تعاملی آن با مردم، از مؤثرترین این عوامل است. در این مقاله قصد داریم، با بررسی تأثیر حکومت استبدادی به عنوان یکی از مهم‌ترین قالب‌های حکومتی در ایران، موانع اجتماعی تحقق سبک زندگی برخاسته از آموزه‌های اهل بیت(ع) را بررسی کنیم.

چارچوب نظری

از آنجا که این تحقیق، بر سه مؤلفه سبک زندگی، ساختار حکومت و اهل بیت(ع) قرار می‌گیرد، سه مبنای نظری بیان می‌کنیم:

۱. بر اساس تعریف‌های متفاوتی که از سبک زندگی ارائه شده است، مؤلفه‌های فراوانی می‌توان برای سبک زندگی معرفی کرد، مانند:
(الف) الگوی مصرف(اموال)، شامل: شیوه تغذیه و خودآرایی، نوع مسکن، نوع وسایل نقلیه، تشریفات و تجملات؛ (van hosten, 1970: 73-74/ brown, 1965: 132-133; e.s.s, vol.15 / 321-322)

ب) فعالیتها، شامل: عادت، شغل، گذراندن اوقات فراغت و الگوی استفاده از صنایع فرهنگی و تفریحی؛ (van fossen, 1979: 15/ berelson & steiner, 1964: 48; Bourdieu, 1984: 173,174,283) ج) نظام ارزشی و اخلاقی؛ (fern, 2001:175)

د) نظام ارتباطات اجتماعی. (ر.ک: سگالن، ۱۳۷۰: ۸۴ و ۲۵۹ / 370 :leslie et.al, 1994)

نکته مهم در بررسی فرآیند مؤلفه‌های سبک زندگی، این است که با گذشت زمان، تمرکز بر رفتارهای مصرفی و تکیه بر جنبه‌های عینی زندگی انسان، به جنبه‌های ذهنی و نیازهای ثانوی انسان مانند روابط انسانی، نگرش‌ها و گرایش‌ها، چرخش و گسترش یافته است. (giddens, 1996: 45/ chanev, 1993: 176)

پس از بررسی تعاریف و مؤلفه‌های گوناگون در سبک زندگی، ویژگی‌های مفهومی آن را می‌توان چنین برشمرد: ۱. سبک زندگی، اموری مانند بینش‌ها (ادراک و اعتقادات)، گرایش‌ها (ارزش‌ها، تمایل‌ها و ترجیح‌ها)، کنش‌ها (رفتارهای بیرونی)، جایگاه‌های اجتماعی و دارایی‌ها را شامل می‌شود؛ ۲. سبک زندگی، همه حوزه‌های رفتاری انسان در عرصه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را در بر می‌گیرد؛ ۳. سبک زندگی، مجموعه‌ای نظام‌مند از رفتارها و دارایی‌ها و از این جهت الگویی همگرا و کلیتی انتزاعی از این رفتارها و دارایی‌هاست؛ ۴. سبک زندگی، مقوله‌ای فردی و جمعی است. به بیان دیگر، هم می‌توان آن را در سطح فردی یافت و مطالعه کرد و هم در سطوح اجتماعی. (ر.ک: مهدوی کنی، ۱۳۸۷: ۷۳-۷۵)

۲. با توجه به اینکه عوامل تاریخی، در شکل‌گیری ساختار اجتماعی مؤثرند (نراقی، ۱۳۸۵: ۵۰-۵۳) و حکومت امروزی یک ملت، در خلق و خوی نسل‌های آینده تأثیر می‌کند، (ر.ک: میل، ۱۳۷۶: ۲۰۰-۲۳۴) تداوم نوع خاصی از حکومت، بر شکل‌گیری و تثبیت سبک خاصی از زندگی مؤثر است. حکومت در تعامل با مردم است و نوع این تعامل، بر شکل‌گیری فضای اجتماعی و سیاسی و در نتیجه، روابط میان مردم اثر می‌گذارد. پس می‌توان یکی از کارکردهای حکومت را سامان‌دهی روابط اجتماعی دانست. حکومت با سامان‌دهی نظام ارتباطات اجتماعی، در خلق و خوی مردم و شیوه تعامل آنها با یکدیگر سهم بزرگی دارد. به این ترتیب، نوع حکومت در شکل‌گیری سبک زندگی تأثیر چشم‌گیری دارد.

به عبارت دیگر، با توجه به اینکه سبک زندگی، مجموعه‌ای از بینش‌ها، گرایش‌ها و کنش‌ها و همچنین همه حوزه‌های رفتاری انسان در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را در بر می‌گیرد و مقوله‌ای فردی و جمعی است، یکی از شاخصه‌ها و مؤلفه‌های مهم سبک زندگی در یک جامعه، در سطح کلان به نوع روابط اجتماعی آن جامعه بستگی دارد که یکی از عوامل مؤثر بر آن، نوع حکومت است. نظام ارتباطات

سیاست متعالیه
• سال دوم
• شماره ششم
• پاییز ۹۳
تحلیلی اجتماعی
و سیاسی بر
آسیب‌شناسی
تحقق سبک
زندگی اهل بیت(ع)
(۴۷ تا ۶۸)

اجتماعی هم به عنوان یکی از مؤلفه‌های مهم سبک زندگی، تا حد زیادی نشان‌دهنده شخصیت اساسی هر جامعه است و نظام سیاسی و نوع حکومت، از عوامل مؤثر بر این شخصیت اساسی هستند؛ زیرا شخصیت اساسی، مدلی ساده شده است که هدف از آن، نشان دادن ویژگی‌های روانی مشترک میان گروه‌هایی چند از اشخاص در یک جامعه خاص است. شمار شخصیت‌ها در جامعه‌ها به اندازه کافی، متعدد و تشابه آنان با یکدیگر نیز چنان است که می‌توان شخصیتی نوعی به دست آورد. شخصیت نوعی یا اساسی، هم با توجه به داده‌های روانی مشابه تشکیل می‌یابد و هم با در نظر گرفتن شرایط اجتماعی و فرهنگی مشابه و بدین‌سان، شبکه‌ای پیچیده از رفتارها، طرزتلقی‌ها، واکنش‌ها و هم‌سازی‌ها به دست می‌آید که شخصیت اساسی گروهی را تشکیل می‌دهند. (بیرو، ۱۳۷۵: ۳۰)

البته اثرگذاری نوع حکومت بر خلق و خوی‌ها، شخصیت اساسی و نوع روابط اجتماعی در یک جامعه، به معنای نفی اثرگذاری دیگر عوامل یا وجود نوعی جبر اجتماعی نیست. در روایات نیز به تأثیر حکومت (نظام سیاسی) بر روابط اجتماعی (نظام اجتماعی) توجه شده است؛ برای نمونه از پیامبر اکرم (ص) روایت است که می‌فرماید: «دو گروه، از امت هستند که اگر آنها درست شوند، امت درست شود و اگر آنها تباه گردند، امت تباه گردند». عرض شد ای رسول خدا آن دو گروه کدام‌اند؟ فرمود: «فقیهان و زمامداران». (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۱، ۱۰: ۴۶۲۳)

برای بیان این مسئله نیز شهرت یافته که «لناس علی دین ملوکهم» (زبلی، ۱۳۸۱، ۲: ۲۱) و یا «لناس بملوکهم أشبه من آبائهم» و نیز «لناس بزمانهم أشبه من آبائهم» (ابن جبیر، ۱۳۷۶: ۳۷۱) و نیز آمده است: «لناس بملوکهم اشبه منهم بزمانهم». (غزالی، ۱۳۸۹: ۱۱۰)

۳. سبک زندگی اهل بیت (ع) از ویژگی‌های کلی و عامی همچون جامع بودن، توجه هم‌زمان به دنیا و آخرت و مبتنی بودن بر آیات قرآن، برخوردار است. در این مقاله، قصد بررسی ویژگی و الگوهای سبک زندگی اهل بیت (ع) را نداریم، ولی با توجه به موضوع مقاله، دقت به این نکته ضروری است که در سبک زندگی اهل بیت (ع)، همه شئون ارتباطی انسان لحاظ شده و به انحصار بُعد خاصی از زندگی انسان در نیامده است، در حالی که سبک زندگی برآمده از آموزه‌های اهل بیت (ع)، روحیه‌ای کاملاً اجتماعی و در تعامل با جامعه را نشان می‌دهد. این سبک زندگی در کنار توجه به روابط فرد با خود و خدا، روابط فرد با جامعه را نیز مد نظر قرار داده است و با بیان تأثیر و تأثر این ارکان بر یکدیگر، سبک زندگی‌ای پویا و پایا را در جامعه ایجاد می‌کند. برای تبیین این نکته، به روایتی از امام رضا (ع) بسنده می‌کنیم:

خداوند، سه چیز را به سه چیز دیگر مربوط کرده است و به طور جداگانه نمی‌پذیرد؛ نماز را با زکات ذکر کرده است؛ هرکس نماز بخواند و زکات ندهد، نمازش پذیرفته نیست. نیز شکر خود و شکر از والدین را با هم ذکر کرده است؛ از این رو هرکس، از والدین خود قدردانی نکند، از خدا قدردانی نکرده است. نیز در قرآن سفارش به تقوا و سفارش به ارحام در کنار هم آمده است، بنابراین اگر کسی به خویشاوندانش رسیدگی و احسان نکند، با تقوا خوانده نمی‌شود. (صدوق، ۱۳۸۴: ۱۶۱)

آثار حکومت استبدادی در تعارض با سبک زندگی برآمده از آموزه‌های اهل بیت (ع) مردمی که سال‌های بسیار زیر سلطه اقتدارگرایانه و استبدادی زندگی کرده و تربیت شده‌اند، به صورت طبیعی خوی استبدادی پیدا می‌کنند. نظام سیاسی در پویش جامعه‌پذیری سیاسی، می‌تواند بر فرهنگ سیاسی مردم آثاری چون فردگرایی، مسئولیت‌گریزی، عافیت‌طلبی و محافظه‌کاری، سودجویی، فسادپذیری و در همان حال، قدرت‌طلبی و خشونت‌گرایی سیاسی را بر جای بگذارد. (ازغندی، ۱۳۷۶: ۱۷۵-۱۷۳)

در این بخش، آثار حکومت استبدادی را متناسب با ویژگی‌های مفهومی سبک زندگی معرفی می‌کنیم تا مؤلفه‌های گوناگون تأثیر حکومت استبدادی در تحقق نیافتن سبک زندگی برآمده از آموزه‌های اهل بیت (ع) مشخص شود. ابتدا به مؤلفه‌هایی از سبک زندگی اهل بیت (ع) بر اساس روایات می‌پردازیم که آثار و کارکردهای اجتماعی حکومت استبدادی، مانع تحقق آنها در بستر جامعه و نظام ارتباطات اجتماعی می‌شود.

۱. آثار فردی

آثار فردی حکومت استبدادی را در سه قسم کنشی، بینشی و گرایشی مورد بحث قرار می‌دهند که در ذیل به آنها می‌پردازیم.

الف) کنشی:

یک روزمرگی: یکی از نکات مهم در سبک زندگی اهل بیت (ع) توجه به آینده و نوعی آینده‌نگری است؛ از این رو در روایات، از روزمرگی و نداشتن افکار و برنامه برای آینده، نهی شده است؛ چنان‌که پیامبر می‌فرماید: «من استوی یوماه فهو مغبون؛ هر کس دو روزش یکسان باشد، ضرر کرده است». (ابن ابی‌جمهور، ۱۴۰۳: ۱، ۲۸۴) در مقابل این سبک زندگی که آینده‌نگری و شادابی و نشاط را در حرکت رو به جلو به جامعه تزریق می‌کند، حکومت استبدادی، جامعه را به روزمرگی دچار می‌سازد که در آن وجه، زندگی انسان در قلمرو تولید و باز تولید فردی، آنی و روزانه است.

حکومت استبدادی، از هرگونه آرمان‌خواهی اجتماعی و آینده‌نگری به دور است؛ چرا که هدف معین و مشخص سیاسی - اجتماعی ندارد و آنچه به عنوان هدف و آرمان اجتماعی معرفی می‌شود، فقط پوششی است بر گرایش خودکامه حاکمیت استبدادی. در این شرایط، رهایی از ناامنی، بی‌ثباتی و تشویش، نیازمند زندگی در قلمرو با ثبات و ماندگار است که در نبود ابزارها و امکانات فعالیت اجتماعی، قلمرو زندگی روزانه، این نیاز را برطرف می‌کند. نتیجه این نوع زندگی، اولویت یافتن خواسته‌های خرد، جزئی، پراکنده و آنی است. (ر.ک: قاضی مرادی، ۱۳۸۷: ۱۰۹ - ۱۲۰)

دو) ایستایی و تقلید اجتماعی: یکی از مؤلفه‌های سبک زندگی اهل بیت(ع)، پویایی فردی و نداشتن تکیه کامل و بدون فکر بر جمع است؛ زیرا تقلید کورکورانه و فراگیر اجتماعی، مانع از بروز خلاقیت‌ها و سبب گسترش اشتباهات می‌شود. بنابراین در روایات برای شناخت حق و باطل، توجه به ملاک‌ها ضروری خوانده شده، نه اینکه افراد را ملاک قرار دهیم. امام علی(ع) در این مورد می‌فرماید: «حق، به شخصیت‌ها شناخته نمی‌شود؛ خود حق را بشناس تا پیروان آن را بشناسی». (طبرسی، ۱۴۰۸: ۱، ۲۱۱)

بر این اساس در روایات، از روحیه تقلید، نهی و بر پویای جامعه تأکید شده است. امام صادق(ع) در این باره می‌فرماید: «هرگز هم‌رنگ جماعت مباش که بگویی من تابع مردم هستم و من هم مثل بقیه مردم». (محمدی ری شهری، ۱۳۸۸، ۱۰: ۵۰۲۲ و ۵۰۲۳) آن حضرت در حدیثی دیگر می‌فرماید: «بدانید خداوند متعال از بنده‌ای که هر لحظه به رنگی درآید، نفرت دارد». (مفید، ۱۴۰۴: ۱۳۷)

در مقابل این سبک زندگی که بر پویایی اجتماعی تأکید دارد، حکومت استبدادی با هرگونه پویایی اجتماعی مخالفت دارد و خود، از عوامل مهم ایستایی جامعه است. حکومت استبدادی زمینه‌های عمل خلاق افراد خود را نابود می‌کند؛ زیرا به عنوان حکومتی که تغییر و تحول، بنیان آن را تهدید می‌نماید، به هیچ روی نمی‌تواند برانگیزنده عمل خلاق باشد. از این رو حکومت استبدادی، حکومتی تک‌گو است. به این ترتیب، می‌توان میان نظام سیاسی و فضای اجتماعی، به منظور ایجاد روحیه تقلید در جامعه، ارتباط برقرار کرد. (ر.ک: قاضی مرادی، ۱۳۸۰: ۲۴۸ - ۲۵۶)

سه) تجاوزگری و خشونت: در روایات از تجاوز و ستمگری به شدت نهی شده است. (محمدی ری شهری، ۱۳۸۸، ۷: ۳۳۶۲ - ۳۳۸۹) از امام علی(ع) در این باره نقل می‌کنند که خدای تعالی فرمود: «به عزت و جلالم سوگند که از هیچ ظالمی نگذریم». (همان: ۳۳۷۱) امام باقر(ع) نیز می‌فرماید: «اما ظلمی که خداوند عزوجل از آن صرف نظر نمی‌کند، دین‌هایی است که مردم به گردن یکدیگر دارند». (همان)

در روایات به بازتاب‌های اجتماعی خشونت‌گری نیز توجه شده است؛ برای نمونه بر اساس روایات وارد شده از امیرالمؤمنین علی(ع)، زورگویی، تلافی و کینه‌جویی به بار می‌آورد و سبب ویرانی و نابودی است و زشت‌ترین زورگویی، زور گفتن بر دوستان همدم است. (همان، ۲: ۵۲۵)

پیامبر اسلام(ص) نیز با تأکید بر مدارا در مقابل خشونت و تجاوزگری می‌فرماید: «مدارا مایه میمنت است و خشونت، موجب شومی. هرگاه خداوند برای اهل خانه‌ای نیکی اراده کند، آنها را اهل مدارا می‌سازد؛ زیرا مدارا در هر چیزی، زینت بخش آن است و خشونت در هر چیزی، مایه خواری آن است». (پابنده، ۱۳۸۵: ۵۰۳)

در مقابل این سبک زندگی، حکومت استبدادی نه تنها خود، خشونت‌گر و ظالمانه است، بلکه خشونت را نیز در جامعه رواج می‌دهد و فراگیر می‌سازد. اعمال زور و خشونت، از مهم‌ترین ابزارهای حکومت استبدادی است؛ از این رو تداوم تاریخی حکومت‌های استبدادی در ایران، سیطره زور و چیرگی را به عنوان حقیقت حاکمیت سیاسی مطرح کرد. بازتاب اجتماعی این تفکر، این اعتقاد است که فقط با گردن نهادن به سلطه زور تام، به صلاح و رفاه و رهایی می‌توان رسید. حتی در زندگی روزانه، راه حلی می‌تواند مفید باشد که زورمدارانه است. در این شرایط، زور به عدالت نیز ترجیح داده می‌شود. انحصار قدرت و ثروت اجتماعی در حکومت استبدادی، سبب می‌گردد هر گونه مخالفتی با خشونت همراه شود که زمینه بیشتری را برای غارتگری حکومت استبدادی نیز فراهم می‌آورد. در این شرایط، مثلث «ترس، ناامنی و خشونت» پدید می‌آید. (سیف، ۱۳۷۹: ۳۲/رک: پترنولتینگ، ۱۳۷۸: ۱۱۷-۱۳۲)

ب) بینشی:

یک) بینش روزانه: یکی از نکات مهم برآمده از سبک زندگی اهل بیت(ع)، بالا بردن بینش و دیدگاه انسان از موضوع‌های کوچک، جزئی، بی‌ارزش و کوتاه‌مدت و جلب توجه و وسعت‌بخشی به دیدگاه و نظر او در هدایت به سوی مفاهیم عالی رتبه است تا همت و دیدگاهش را بر جایگاهی والا بنا نهد و به دیدگاهی شامل و جامع دست یابد؛ از این رو پیامبر(ص) می‌فرماید: «خداوند کارهای عالی و شریف را دوست دارد و از کارهای پست بیزار است». (پابنده، ۱۳۸۵: ۵۹۱) به عبارت دیگر، این سبک زندگی با کرامت‌بخشی به انسان، (کلینی، ۱۴۰۱: ۲: ۳۳) ظرفیت او را از مسائل کوچک و محدود به عرصه‌ای عظیم و فراخ وارد می‌کند. دستاورد این دیدگاه، هشدار انسان از انحصار در دنیا و زندگی زمینی و متوجه ساختن او به آخرت و آسمان است.

در مقابل این بلندنظری، حکومت استبدادی، بینشی مبتنی بر روزمرگی را برای اعضای جامعه به بار می‌آورد. اندیشه برخاسته از روزمرگی، مجموعه باورها، اعتقادات و دریافت‌هاست که به واسطه فعالیت‌های روزانه انسان و به پشتوانه سنت‌های اجتماعی و فرهنگی جامعه، ایجاد می‌شود و گسترش می‌یابد و بدون تردید، آن را درست می‌انگارند. این بینش، درباره اقتصاد معیشتی است که به طور کلی، مسائل و موضوع‌ها را در افق کوتاه روزانه مد نظر دارد. این بینش تا حد زیادی، نتیجه ناامیدی و بی‌اعتمادی اجتماعی و پیش‌بینی ناپذیری و ضابطه‌مند نبودن مسائل در حکومت استبدادی است. در بستر اجتماعی حکومت استبدادی، این بینش مانع شناخت ماهیت اشیا و پدیده‌ها و موضوع‌ها می‌شود و قدرت ایجاد تغییر را از بین می‌برد؛ زیرا نیازهای بلندمدت را درک نمی‌کند و ثبات عمل ندارد. در چنین شرایطی، تفکر انتقادی و همچنین حافظه تاریخی، ارزش موضوعی خود را از دست می‌دهد. (ر.ک: قاضی مرادی، ۱۳۸۷: ۱۲۲-۱۲۷)

دو) تقدیرگرایی: در سبک زندگی اهل بیت(ع)، تقدیر الهی به عنوان یکی از مهم‌ترین اصول اعتقادی معرفی شده، ولی به هیچ روی قرائتی جبرگرایانه از آن ارائه نشده است که مسئولیت انسان را فروکاهد یا ارزش و اعتبار عمل آدمی را خدشه‌دار سازد. امام سجاد(ع) در روایتی زیبا، عمل انسان و تقدیر الهی را در کنار هم می‌آورد و می‌فرماید: «إنَّ القدر و العمل بمنزلة الروح و الجسد...» (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۸، ۷: ۳۳۶۲-۳۳۸۹)

در مقابل این سبک زندگی که در عین اعتقاد به خدا و قدرت لایزال او، اختیار انسان را سلب نمی‌کند و او را به سازندگی فردی و اجتماعی فرا می‌خواند، شرایط اجتماعی در برهه‌ای از موارد، زمینه مناسبی را برای ترویج تقدیرگرایی فراهم کرده است. تقدیرگرایی را در ایران، متکلمین اشعری حفظ کردند و گسترش جدی دادند. مصیبت‌های سیاسی و اجتماعی به ویژه پس از حمله مغول، زمینه‌ساز گسترش هر چه بیشتر تقدیرگرایی در فرهنگ توده‌های مردم، همچون ادب فارسی شد. یکی از برداشت‌های نادرست و انحرافی از دین که آن را می‌توان ناشی از حکومت استبدادی نیز دانست، «تقدیرگرایی» است. درباره حکومت استبدادی، مشربی وجود دارد که به سازگارجویی با این حکومت در عین حفظ جدایی از آن و نادیده گرفتن آن معتقد است. در این مشرب فکری، آینده، از پیش مقدر شده است و اراده مستقل انسان، به هیچ رو نمی‌تواند در رخ دادن یا رخ ندادن آن تصرف کند. تقدیرگرایی، از جهتی حکومت استبدادی را نفی و از جهتی آن را تقویت می‌نماید؛ به گونه‌ای که فرد تقدیرگرا با قائل شدن اقتدار مطلق برای خداوند، در تعارض با حکومت استبدادی قرار می‌گیرد، ولی از سویی دیگر حکومت استبدادی را نیز بازچپه دست تقدیر می‌داند و این امر، مرعوب‌شدگی‌اش در برابر حکومت را تعدیل می‌سازد.

همچنین حکومت استبدادی، از سویی تقدیرگرایی را در جامعه برای مشروعیت‌بخشی به خود ترویج می‌کند و از جهتی آن را برای توجیه عملکرد خود به کار می‌گیرد.

سه) عرفان و تصوف: یکی از مهم‌ترین ابعاد سبک زندگی اهل بیت (ع)، جنبه عرفانی است که زندگی را در مسیری عبادی و ملکوتی قرار می‌دهد. از این رویه مهم در سیر و سلوک، تفسیرهای نادرست و انحرافی شده است که نتایج و اهدافی متناقض و حتی معکوس با بعد عرفانی در سبک زندگی اهل بیت (ع) داشته است. بدین ترتیب این بزرگواران، با ارائه اصول و مبانی عرفان اصیل، از افتادن در دامن عرفان کاذب نهی فرموده‌اند. یکی از مهم‌ترین نمونه‌های بدلی عرفان، صوفی‌گری و رهبانیت است که از مشخصه‌های عرفان اصیل (اجتماعی بودن و مبتنی بودن بر شریعت) فاصله دارد. در روایات، منش صوفیانه رد شده است. پیامبر (ص) در روایتی جهاد کردن در راه خدا و نشستن در مساجد را از مصداق‌های رهبانیت می‌داند. (ر.ک: محمدی ری شهری، ۱۳۸۳، ۵: ۲۱۴۳) این تفسیر از رهبانیت، تفسیری کاملاً اجتماعی است که با هرگونه گوشه‌نشینی و عاقبت‌طلبی، سازگار نیست؛ از این رو ایشان می‌فرماید: «در امت من، نه رهبانیت است و نه زاویه‌نشینی و نه سکوت». (همان)

در سبک زندگی اهل بیت (ع) هرچند بر خلوت‌نشینی به منظور عبادت و راز و نیاز توصیه شده، (ر.ک: همان، ۷: ۳۷۴-۳۷۹) بر حضور داشتن در میان مردم نیز تأکید گردیده است؛ چنان‌که پیامبر (ص) می‌فرماید «اگر فردی از شما در نقطه‌ای از جهان اسلام آنچه را برایش ناگوار است، یک ساعت تحمل کند، بهتر است از اینکه چهل سال در خلوت و تنهایی به عبادت بپردازد». (سیوطی، ۱۴۱۴: ۱: ۱۶۱)

در مقابل سبک زندگی اهل بیت (ع)، حکومت استبدادی، مؤید نوعی انحراف در مسیر عرفان اصیل و ایجاد صوفی‌گری و عزلت‌نشینی است. هر چند علل و زمینه‌های پیدایش تصوف متعدد است، می‌توان تصوف را به عنوان نوعی انحراف در جریان اصیل عرفانی دانست که چه مبانی نظری و چه مبانی عملی آن، زمینه‌های پایداری استبداد در ایران را فراهم کرد. از جهت مبانی نظری، مردم در شرایط بی‌ثباتی، ناامنی و تشویش حکومت‌های استبدادی، به دنبال نوعی آرامش و سکون بودند که آن را در تحدیر تصوف یافتند. در رویارویی با تسخیرشدگی‌ها و تجاوزگری‌ها، شکست‌ها و ناامیدی‌های سیاسی - اجتماعی و نیز در کنار غلتیدن مردم به غرقاب بدبینی و تسلیم‌شدگی، تصوف پناهی بود برای تحمل همه این گرفتاری‌ها و ناکامی‌ها.

از جهت مبانی عملی، تصوف بینشی نخبه‌گرایانه است. از این نظر که سلوک، امری شخصی است و هر انسان، تنها به اعتبار درخور بودن، می‌تواند مسیر طریقت را بییماید. در

حکومت استبدادی، انسان خودمدار بدون هویت فردی، به سادگی می‌توانست در تصوف که بر پایه نفی هویت مستقل فردی ممکن می‌گردد، التیامی برای سرخوردگی‌های شخصی‌اش بیابد.

برخلاف تصوف که محمل و مؤید استبداد است، عرفان راستین با هر گونه استبداد و خودمداری منافات دارد. عرفان، در برابر عبودیتی که به مردم زیر سلطه استبداد تحمیل می‌شود، وارستگی، آزادگی و بی‌نیازی درونی را تبلیغ می‌کند. عرفان با نفی آزمندی‌های نفسانی و رد گرایش به شر و فساد، در واقع از رفتار و اعمال حاکمان انتقاد می‌نماید. در عین حال، عرفان با نفی و رد تعصب و قشری‌گری شریعت‌خواهی، دست کم در رهایی درونی مردم از قیومیت‌پذیری، مؤثر است. این امر در تقویت نیروی پایداری مردم در شرایط نظام استبدادی، نقش دارد. به این ترتیب، مبانی نظری و عملی عرفان با استبداد در تعارض است.

ج) گرایشی:

یک) نبود عشق و دوستی: پیامبر اکرم(ص) در وصف این مؤلفه مهم اجتماعی می‌فرماید: «مهربانی کنید تا ستایش شوید و پاداش گیرید». (پاینده، ۱۳۸۵: ۳۱۱) امام علی(ع) نیز در این باره می‌فرماید: «والا ترین خوی، پاس داشتن دوستی است». (تمیمی آمدی، ۱۳۶۰: ح ۳۳۲۸) مهرورزی اجتماعی، چنان اهمیتی در سبک زندگی اهل بیت(ع) دارد که پیامبر(ص) فرمود: «و الذی نفس محمد بیده ... و لا تؤمنوا حتی تحابوا؛ قسم به آنکه جان محمد در دست اوست ...، مؤمن نمی‌شوید تا اینکه به همدیگر محبت کنید». (پاینده، ۱۳۸۵: ۵۸۹) ر.ک:

محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۳، ۴: ۱۹۹۵)

برخلاف فرهنگ برآمده از حکومت استبدادی که روابط اجتماعی را بر مبنایی خودخواهانه و سودانگارانه بنا می‌نهد، در نظام اخلاقی برآمده از سبک زندگی اهل بیت(ع)، افراد جامعه در بستر خدامحوری و در یک نظام ارزشی اخلاق‌مدار جمع‌گرا، مهرورزی و محبت به یکدیگر را در راه رسیدن به کمال و قرب الهی می‌آموزند. پیامبر(ص) در این باره فرموده است: «هر بنده‌ای برای خداوند، بنده دیگر را دوست بدارد، پروردگارش را گرامی می‌دارد». (پاینده، ۱۳۸۵: ۵۹۲) به دیگر سخن، در سبک زندگی اهل بیت(ع)، مهرورزی اجتماعی مبنا و ریشه الهی دارد و بر اساس ملاک‌های دنیوی و سودانگاری عقل ابزاری نیست.

عشق و دوستی، فعالیت رشد یابنده‌ای است که تحقق «خود» را از طریق ایجاد پیوند عاطفی میان خود و دیگری، در مرتبه‌ای فراتر از تعینات و امکانات شخصی، ممکن می‌دارد. با چنین دریافتی، بدیهی است که حکومت استبدادی، دشمن عشق و دوستی باشد.

این حکومت بر رابطه خدایگان - بندگی بنیاد دارد که معرف جدایی میان حکومت و مردم است.

در عین حال، از نظر خودمداری، هر فرد دیگری فقط تا آن حد حق برخورداری از امکانات مادی و معنوی موجود را دارد که به واسطه آن، کوچک‌ترین تأثیر محدودکننده‌ای بر تحقق نیازها و منافع خودمدارانه او وارد نیاید. در واقع از چنین هنجاری، هرگز عشق و دوستی برنمی‌آید. برای خودمدار هر فرد دیگر، خودمداری است که می‌کوشد وی را در تلاش خودمدارانه‌اش با ناکامی روبه‌رو می‌سازد. از این‌رو، خودمداری نیز جز برانگیزنده بی‌اعتمادی میان انسان‌ها نیست. در جامعه ذره‌ای شده زیر سلطه استبداد، بی‌اعتمادی جایگزین عشق و دوستی می‌شود.

هر اعتمادی، نیاز به رابطه دوسویه دارد، اما خودکامگی، رابطه یک‌سویه است. خویش‌داری و پنهان‌کاری، استفاده از سوگند در گفت‌وگوهای روزانه و ضرب‌المثل «دوری و دوستی»، نشانه‌هایی از بی‌اعتمادی اجتماعی در جامعه است که از جو خفقان‌آلود حکومت‌های استبدادی برمی‌خاست.

بنابراین، خودکامگی برآمده و منتشر شده از حکومت استبدادی در جامعه، مانع از ایجاد فضای محبت و دوستی در جامعه می‌شود، در حالی که سبک زندگی اهل بیت (ع) براساس دیدی توحیدی و مثبت‌نگر به انسان و هستی، انسان‌ها را به دوستی و محبت فرامی‌خواند.

دو ناامیدی: یکی از مؤلفه‌های مهم در سبک زندگی اهل بیت (ع)، امید است. در این سبک زندگی، افراد به خداوند امید دارند و از این پنجره به جهان می‌نگرند. به این ترتیب امید به یک ارزش تبدیل می‌شود، چنان‌که پیامبر می‌فرماید: «بدکاری که به رحمت الهی امیدوار است، از عابد مأیوس، به رحمت الهی نزدیک‌تر است». (پابنده، ۱۳۸۵: ۲۹۲) البته امید داشتن به خدا ارزش است، نه غیر خدا؛ در چنین فرهنگی، یأس جایی ندارد. به عبارت دیگر، مبنای امید در سبک زندگی اهل بیت (ع) ایمان به خدای یگانه‌ای است که هستی را خلق کرده است و تدبیر می‌کند؛ از این‌رو در سبک زندگی اهل بیت (ع) ناامیدی و یأس ارزش و جایگاهی ندارد: «ضحک ربنا من قنوط عباده؛ پروردگار ما از یأس و نومیدی بندگانش، به شگفت می‌آید». (همان: ۷۰۰)

البته امید در سبک زندگی اهل بیت (ع) افزون بر رویکرد اخلاقی (امید به لطف الهی)، با رویکرد اجتماعی نیز معرفی شده است. بر این اساس ضمن اینکه از امید دروغین نهی می‌کنند، امید را به عنوان عامل محرک جامعه می‌شناسانند. (ر.ک: محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۳: ۴؛ ۱۹۸۹) امام علی (ع) در این باره می‌فرماید: «هر امیدواری، جوینده است و هر بیم‌ناکی، گریزان (از آنچه می‌ترسد)». (همان/ر.ک: تمیمی آمدی، ۱۳۶۰: ح ۶۸۴۲)

سیاست متعالیه
• سال دوم
• شماره ششم
• پاییز ۹۳
تحلیلی اجتماعی
و سیاسی بر
آسیب‌شناسی
تحقق سبک
زندگی اهل بیت (ع)
(۴۷ تا ۶۸)

برخلاف روحیه امید و نشاطبخشی که در سبک زندگی اهل بیت(ع) وجود دارد، در حکومت استبدادی، امید رنگ می‌بازد؛ زیرا استبداد با تلاش آگاهانه انسان برای تغییر شرایط زندگی‌اش در تعارض تام قرار دارد و اراده آزاد و خودانگیخته پیروانش را سرکوب می‌کند. در ضمن، استبداد، هیچ نوع نظارت پیروانش بر واقعیت موجود اجتماعی را برنمی‌تابد و با سوق‌دادن مردم به روزمرگی و نفی هر نوع آرمان عینی اجتماعی، نگاه آنها را به آینده کور می‌سازد.

تداوم دوهزار و پانصد ساله حکومت استبدادی، مانع از تحقق امید در میان ایرانیان بوده است. ایرانیان در طول تاریخ خود، همواره با این مسئله روبه‌رو بوده‌اند، به گونه‌ای که با فرو افتادن یک رژیم استبدادی و در پی دوره‌ای هرج و مرج، رژیم استبدادی دیگری به قدرت می‌رسیده است. این تجربه طولانی تاریخی، در ادراک تقدیری و مطلق‌نگر آنها به اینکه از استبداد رهایی ندارند و اینکه استبداد در ذات قدرت است تأثیر بسزایی داشته است. **سه) تحقیرشدگی و حس خودکم‌بینی:** یکی از مؤلفه‌های مهم در سبک زندگی اهل بیت(ع)، بزرگ‌داشت شخصیت انسانی و لزوم احترام به دیگران در روابط اجتماعی است. در روایات با ارج نهادن به شخصیت انسانی، بر لزوم احترام به دیگران تأکید و از کوچک شمردن مردم نهی شده است. پیامبر(ص) در این خصوص می‌فرماید: «هیچ یک از شما نباید احدی از بندگان خدا را خوار کند». (مجلسی، ۱۴۱۲، ۷۵: ۱۴۷) در این میان تحقیر مؤمنان بیشتر نکوهش می‌شود. امام صادق(ع) می‌فرماید: «هر کس بنده مؤمن را خوار شمارد، با من اعلام جنگ کرده است». (ر.ک: محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۳، ۳: ۱۲۲۵)

برخلاف سبک زندگی اهل بیت(ع)، فرهنگ عمومی برآمده از نظام سیاسی استبدادی، با احترام انسانی چندان میانه‌ای ندارد. حکومت استبدادی از چند طریق، خوارشمردن مردم را در جامعه نهادینه می‌کند: ۱) تحمیل رابطه خدایگان - بنده؛ ۲) گریز از قانون؛ ۳) غلبه خودمداری در روابط بینا - شخصی و تحقیر انسان از طریق شیء کردن آدمی.

۲. آثار فرهنگی اجتماعی

آثار فرهنگی - اجتماعی حکومت استبدادی در قالب پنج مورد قابل بررسی می‌باشد:

الف) گسترش رفتارهای فردمدارانه در اجتماع: یکی از مؤلفه‌های مهم در سبک زندگی اهل بیت(ع)، توجه به نظر و رأی دیگران و پرهیز از خودرأیی است. بنابراین در سبک زندگی اهل بیت(ع)، عجب و خودخواهی، نوعی ضد ارزش است و اعضای جامعه به جمع‌گرایی (هندی، ۱۳۹۷: ۱۰۲۸ و ۲۰۲۴۲) و مشورت گرفتن (ر.ک: محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۳، ۶: ۸۵) ترغیب می‌شوند. به دیگر سخن، در سبک زندگی اهل بیت(ع)، روابط و رفتارهای اجتماعی، خودمدار نیست و مسلمانان به توجه کردن به مصالح و دیدگاه‌های دیگر اعضای

جامعه، امر شده‌اند. برخی از فضیلت‌های اخلاقی مانند صدقه، وقف و قرض که در روایات به آن توصیه شده، بر اساس اهمیت دادن به منافع و حقوق دیگران، توجیهی اجتماعی می‌یابد.

برخلاف آموزه‌های سبک زندگی اهل بیت(ع)، خودمداری حاکم مستبد، فرهنگ و رفتارهای شخصی شده یا خودمدارانه را در جامعه می‌گستراند؛ برای مثال «خانواده» نمونه کوچک جامعه است که در جامعه مستبد، ساختاری دیکتاتوری دارد و فرزندان این خانواده نیز جامعه و نسلی با همین ویژگی‌ها را می‌سازند. (ر.ک: سیف، ۱۳۷۹: ۲۸ - ۳۲) منتسکیو افزون بر اینکه می‌گوید: «استبداد، فرمانروایی نفع شخصی است»، اعلام می‌دارد که «در حکومت استبدادی، هر خانه، یک حکومت جداگانه است». (منتسکیو، ۱۳۶۲: ۴۹۳) از این دو جمله برمی‌آید که استبداد، فرمانروایی «نفع خصوصی» در کل جامعه است. در واقع، خودمداری فرمان‌بردارانه با خودمداری فرمان‌روایانه سازگاری دارد. (منتسکیو، ۱۳۶۲: ۴۹۳ / مارکس، ۱۳۸۱: ۱۵) این مسئله به نوعی فردگرایی منتشر در جامعه می‌انجامد و از آثار اجتماعی سیاست است. بر این اساس در نظام سیاسی و اجتماعی ایرانیان، فرد با شخصیت‌ها سر و کار دارد و نه با نهادها. رفتارها و روابط شخصی، فراتر از هرگونه رابطه رسمی یا نهادی شده است. نهادها در نبود شخصیت‌هایی که به آنها زندگی می‌بخشند و خصلت و قدرت آنها را تعیین می‌کنند، بی‌معنا هستند. (فولر، ۱۳۷۳: ۳۰ و ۳۱)

ب) نبود اهداف اجتماعی: یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های سبک زندگی اهل بیت(ع) توجه به مختصات کلی جامعه و ترسیم برنامه سعادت بشر با توجه به امور اجتماعی است. بسیاری از احکام اسلامی از این نظر جای تحلیل دارد؛ مانند: امر به معروف و نهی از منکر، توجه به عدالت، امنیت و نظم اجتماعی، عبادت‌های دسته‌جمعی (نماز جمعه و جماعت) و حکومت دینی.

در مقابل این برنامه‌محوری جمع‌گرایانه، حکومت استبدادی، بدون اهداف و برنامه‌های اجتماعی و عمومی است. این نظام سیاسی که رابطه‌ای با مردم ندارد و بیشتر به فکر حفظ خود است، حکومت روزینه است و روزینه‌گی را به پیروانش نیز تحمیل می‌کند. بر اثر نبود اهداف عمومی و اجتماعی، مردم نیز فقط می‌توانند به غایت‌ها و اهداف شخصی بپردازند. تحقق چنین هدف‌هایی برای حکومت، به معنای استبداد و برای تک‌تک مردم، به معنای خودمداری است. (قاضی مرادی، ۱۳۷۸: ۵۸) در چنین فضایی نمی‌توان روابط بین شخصی را به معنای جامعه‌پذیری و مشارکت‌طلبی انسان‌های پیرو حاکمیت استبداد دانست. حتی نوعی رفتار دیگرنمایانه و متظاهرانه رواج می‌یابد که در درازمدت، به بی‌هویتی و در نتیجه، استبداد همه بر همه در جامعه منجر می‌شود؛ زیرا در حکومت استبدادی، توسل به مرجعیت

سیاست متعالیه
• سال دوم
• شماره ششم
• پاییز ۹۳
تحلیلی اجتماعی
و سیاسی بر
آسیب‌شناسی
تحقق سبک
زندگی اهل بیت(ع)
(۴۷ تا ۶۸)

قدرت استبدادی، مطمئن‌ترین وسیله برای کسب امنیت و ثبات شخصی و خصوصی و نیز تلاش در جهت تحقیق منافع خودمدارانه است.

ج) قانون‌شکنی: یکی از نمودهای توجه سبک زندگی اهل بیت(ع) به مؤلفه‌های اجتماعی، تعیین احکامی است که سزای مخالفت با آن، اجرای حدود و تعزیرات است. این احکام، فقط اجتماعی نیستند و احکام فردی را نیز در بر می‌گیرد. به عبارت دیگر، اسلام برای سعادت‌یابی بشر و نظم‌بخشی جامعه، احکامی را وضع کرده و سرپیچی از آنها را فقط به مجازات الهی محدود نکرده، بلکه با تعیین حدود و تعزیرات، جامعه را به سوی قانون‌گرایی سوق داده است. بدین ترتیب، این سبک زندگی، به کلی قانون‌مند و مبتنی بر نوعی نظم اجتماعی است که سعادت دنیوی و اخروی اعضای جامعه را مد نظر دارد.

برخلاف سبک زندگی اهل بیت(ع)، حکومت استبدادی، حاکمیت بی‌قانونی است؛ زیرا در این حکومت، همه چیز حتی قانون در راستای منافع حکومت و با رأی و تحمیل حاکمی مستبد تعیین می‌شود. (همان: ۴۲ و ۴۵) لوئی آلتوسر با شرح دیدگاه‌های منتسکیو، بی‌قانونی حکومت استبدادی را به تحول تمام سیاست به هوای نفس حاکم، توضیح داده است. (ر.ک: موفن، ۱۳۷۳: ۸۳ و ۸۴) نتیجه مستقیم و گریزناپذیر بی‌قانونی حکومت استبدادی، ناامنی و بی‌ثباتی ساختاری نظام‌های استبدادی است که به ایستایی، (ر.ک: مارکس، ۱۳۵۲: ۳۳۷) غیر رسمی بودن، آنی بودن برنامه‌ها و نبود حافظه تاریخی جوامع منجر می‌شود.

حکومت استبدادی نمی‌تواند با مردم رابطه سیاسی داشته باشد؛ چون قانونی ندارد. حکومت استبدادی با مبهم و نامعین کردن قانون و ابهام‌آفرینی در حوزه جرم و آزادی، از قانون به عنوان ابزاری برای سرکوب استفاده می‌کند. مردم نیز در چنین وضعی (نبود نظم اجتماعی) قانون را برای منافع شخصی خود به خدمت می‌گیرند که در دور زدن قانون از طریق به خدمت گرفتن کارگزاران حکومت، کامل می‌شود. در چنین جامعه‌ای، قانون‌شکنی، به عنوان قدرت شخصی افراد جلوه می‌کند.

د) سلب مسئولیت‌پذیری اجتماعی: مسئولیت اجتماعی، یکی از مفاهیم اجتماعی مهم در سبک زندگی اهل بیت(ع) است. در روایات از بی‌توجهی اجتماعی نهی و در مقابل، به مسئولیت‌همگانی تأکید فراوان شده است، چنان‌که پیامبر(ص) می‌فرماید: «کلکم راع و کلکم مسئول عن رعیتة». (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۳، ۵: ۲۳۱۰) در جای دیگر نیز حضرت رسول(ص) می‌فرماید: «خدای تعالی از هر سرپرستی، درباره آنچه سرپرستی‌اش را به او واگذار کرده است، بازخواست می‌کند». (همان: ۲۳۱۳)

توجه به فقرا، حل مشکلات مؤمنان و برطرف کردن نیازهای آنان، صلح رحم، امر به معروف و نهی از منکر، جهاد و برخی از احکام دینی مانند خمس و زکات، از مصداق‌ها و

جلوه‌های توجه به مسئولیت اجتماعی در سبک زندگی اهل بیت(ع) است. از لازمه‌های این مسئولیت اجتماعی، نقدپذیری است. امام صادق(ع) در این خصوص می‌فرماید: «محبوب‌ترین برادرانم نزد من، کسی است که عیب‌هایم را به من هدیه کند». (حرانی، ۱۴۰۴: ۳۶۶)

حکومت استبدادی از پیروان خود فقط فرمان‌برداری می‌خواهد. برای اینکه حکومت بتواند خواست خود را به مردم تحمیل کند، باید به تمرکز و انحصار قدرت بیشتر دست یابد. در چنین شرایط اجتماعی، مفهوم «مأمور معذور» ساخته و پرداخته شد. در این مفهوم، «مسئولیت‌پذیری»، «خودانگیختگی»، «نقدپذیری» و «انتقاد کردن» جایی ندارد و هر کس بدون توجه به دیگران، در یک خودمداری منتشر، به فکر انجام دادن کاری است که به او محول می‌شود. مأمور معذور، فقط در حوزه وظیفه‌پذیری، آن هم به صورت غیرمسئولانه رفتار می‌کند و به اینکه انجام دادن چه کاری شایسته است، فکر نمی‌کند و حتی اگر به درستی عمل بایسته‌ای را تشخیص دهد، آن را پیشنهاد نمی‌دهد. در نتیجه، فرهنگ انتقاد از حکومت در جامعه از بین می‌رود. طبیعی است در چنین جامعه‌ای، خلاقیت، پیشرفت و رشد، سرکوب خواهد شد. (همان: ۲۰۹ و ۲۱۰)

به عبارت دیگر، یکی از مختصات فرهنگ استبدادی، این است که نقد و نقادی را بر نمی‌تابد؛ چراکه در حکومت مستبد، حاکم می‌پندارد که هرگز اشتباه نمی‌کند. پس منتقدان او اشتباه می‌کنند و باید از گسترش اشتباه، یعنی دیدگاه منتقدان جلوگیری کرد. (ر.ک: سیف، ۱۳۷۹: ۸۶-۹۸)

۵) دیگرنمایی (نفاق اجتماعی): یکی از مؤلفه‌های مهم در سبک زندگی اهل بیت(ع) صداقت و پرهیز از دورویی و نفاق است. در این سبک زندگی، نوعی شفاف‌سازی در شخصیت اجتماعی و فردی مردم وجود دارد که افراد جامعه، مبتنی بر داشته‌ها و حقایق وجودی خود با دیگران روبه‌رو می‌شوند. صمیمیت و محبت و فضای آرام‌بخش اجتماعی، ره‌آورد این سبک زندگی است.

در مقابل، نفاق یکی از مهم‌ترین رذیلت‌های اخلاق اجتماعی است که در روایات، از آن (ر.ک: محمدی‌ری‌شهری، ۱۳۸۳: ۱۳، ۶۴۱۴-۶۴۳۵) و همچنین ریاکاری به شدت نهی شده است. (ر.ک: همان، ۴: ۱۹۳۸-۱۹۴۲) پیامبر(ص) افراد دورو را که نزد عده‌ای با یک چهره و نزد عده‌ای دیگر با چهره‌ای متفاوت حاضر می‌شوند، بدترین مردم معرفی می‌کند. (همان، ۱۳: ۶۴۲۵) امام علی(ع) نیز می‌فرماید: «چه زشت است که آدمی، باطنی بیمار و ظاهری زیبا داشته باشد». (تمیمی‌آمدی، ۱۳۶۰: ۹۶۶۱) امام باقر(ع) نیز دورویی اجتماعی را با دیدی اخلاقی چنین نکوهش می‌کند: «هر کس ظاهرش سنگین‌تر از باطنش باشد، ترازوی او سبک

است». (صدوق، ۱۴۰۰: ۵۸۰) همچنین می‌فرماید: «چه بد بنده‌ای است بنده‌ای که دور و دو زبان باشد». (همان: ۴۱۷)

یکی از آثار اجتماعی حکومت‌های مستبد، دیگرنمایی است؛ یعنی پوشیده داشتن اعتقادات و کردار واقعی خود و پای‌بندی دروغین و ریاکارانه به اعتقادات و کردارهایی که در شرایط معین، انسان را از تعرض در امان می‌دارد. دیگرنمایی در جامعه استبدادی، ابزاری برای رفع اتهام از سرکشی و شورش علیه حکومت است. البته دیگرنمایی، بیشترین ضربه را به حکومت مستبد می‌زند؛ چراکه حکومت هرگز نمی‌تواند سنجش واقع‌بینانه‌ای از مخالفان خود داشته باشد. این حاکمان در رویارویی با مردم، نمی‌توانند حقیقت آنها را بشناسند و البته اصلاً حقیقتی در کار نیست و همه فرمان‌برداران، ریاکارانه است. (قاضی‌مرادی، ۱۳۷۸: ۲۱۰-۲۱۴)

۳. آثار اقتصادی

الف) فساد اقتصادی: با توجه به اهمیت و جایگاه مؤلفه‌های اجتماعی در سبک زندگی اهل بیت(ع)، آموزه‌ها و شاخصه‌های زیادی در مورد مسائل اقتصادی معرفی شده است. در این میان، به سلامتی اقتصاد و محیط کسب و کار توجه فراوان شده تا محیط اجتماعی، سالم و بدون فساد باشد. بر این اساس در روایات، مظاهر فساد اقتصادی مانند احتکار، کم‌فروشی، گران‌فروشی، غش در معامله، کم‌کاری، تدلیس و ربا شناسانده و از آنها به شدت نهی شده است. در مقابل، بر اصولی که به سلامت اقتصادی می‌انجامد، توصیه می‌شود، مانند: پای‌بندی به عهد و پیمان در روابط تجاری، رعایت بیت‌المال، حفظ مال ایتام و رعایت جدی حق‌الناس، وجدان‌کاری و امانت‌داری.

برخلاف این سلامتی اقتصادی که در سبک زندگی اهل بیت(ع) ترسیم می‌شود، در حکومت استبدادی، کاستی یا ضعف نهادین در ساختار قانونی، زمینه عینی و مادی ایجاد، رشد و گسترش فساد است. نبود ساختار سیاسی و ضعف و ناکارآمدی انفکاک اجتماعی نیز با وابسته کردن همه قشرها و طبقه‌های مردم به حکومت استبدادی، رواج فساد در دیوان‌سالاری حکومت استبدادی را گریزناپذیر می‌کند؛ زیرا هر گونه نظارتی بر کار حکومت‌ها را ناممکن می‌سازد. بی‌ثباتی حکومت‌های استبدادی، سبب می‌شود افراد وابسته به حکومت، به آینده مطمئن نباشند و با شدت هر چه بیشتر، به غارت و فساد روی آورند.

پای‌بندی افراد در جامعه استبدادی به منافع و مصالح شخصی و بی‌توجهی به منافع و مصالح عمومی، زمینه فسادپذیری را افزایش می‌دهد. هر چند فساد، گرایش به پنهان‌کاری دارد، در پی ویرانی و فروپاشی سپهر معنوی جامعه، امکان دارد استوانه‌های اخلاقی و فرهنگی یا حتی عرفی جامعه چندان بی‌اعتبار گردد که سرپیچی از آنها را نوعی حق یا

اعتبار بدانند یا حتی عاملی برای بروز جسارت و مبارزه‌جویی شخصی انسان خودمدار تلقی شود و فساد، مایه اعتبار و مباحات او گردد. در عین حال، باید دانست افزون بر اینکه فساد، جزء نهادینه شده حکومت استبدادی است، حکومت نیز آگاهانه می‌کوشد تا زمینه‌های فساد را در جامعه بگستراند؛ زیرا می‌داند انسان فاسد شده، علیه شرایطی که فساد را برای او ممکن داشته، نه می‌خواهد و نه می‌تواند اقدامی بکند. در واقع، آنچه خواسته حکومت استبدادی است، ولی نمی‌تواند به آن تحقق بخشد، زیر نظر و کنترل خود در آوردن فساد است. در جامعه ذره‌ای شده، فساد هرگز بر قواعد معین و پیش‌بینی شونده متکی نمی‌گردد. همین امر، فساد را به عاملی برای زوال قدرت اقتصادی و مشروعیت سیاسی حکومت تبدیل می‌کند. (قاضی‌مرادی، ۱۳۷۸: ۲۱۵)

به عبارت دیگر، در شرایط فساد اقتصادی، سود شخصی ملاک است، نه مصلحت جمعی و این امر، ضمن اینکه قانون را به سمبل ظاهری و نمادین تبدیل می‌کند، به نوعی فردگرایی اجتماعی ختم می‌شود. این نوع رواج سودجویی، خطرناک‌ترین نوع فساد برای حکومت است؛ چون برای افزایش سود و منفعت، فساد گسترش می‌یابد، به گونه‌ای که حکومت مرکزی، نمی‌تواند آن را کنترل کند و به این ترتیب، حکومت استبدادی، خود زمینه فساد خویش را فراهم می‌آورد.

ب) کم‌کاری: در سبک زندگی اهل بیت(ع) دنیا و آخرت، به هم مربوط هستند. بنابراین انسان، از ترک دنیا نهی و به کار و تلاش و آبادانی دنیا دعوت شده است. امام رضا(ع) می‌فرماید: «کسی که برای تأمین مخارج خانواده‌اش در طلب روزی خدا برآید، پاداشش بیشتر از کسی است که در راه خدا جهاد می‌کند». (مجلسی، ۱۴۱۲، ۷۸: ۳۳۹) به طور کلی، روایات بر «عمل» تأکید فراوان کرده‌اند و در آنها از عمل، به عنوان دوست انسان یاد شده (محمدی‌ری‌شهری، ۱۳۸۸، ۹: ۴۰۵۹) و بر پیگیری در کارها بسیار تأکید شده است. (همان: ۴۰۶۰-۴۰۶۳/ر.ک: همان، ۱۱: ۵۱۷۵-۵۱۷۸)

در مقابل، مردم در حکومت خودمدار، انگیزه چندانی برای کار و تلاش ندارند؛ زیرا حکومتی را که همه چیز را در راستای منافع خود تأمین می‌کند، از آن خود نمی‌دانند. همچنین در حکومت استبدادی، اموال مردم بر اثر ناامنی جامعه و مصادره آنها در پی ظلم و زیاده‌خواهی حاکمان مستبد، غارت می‌شود و در نتیجه، مردم تمایل زیادی به تولید بیشتر از نیاز و کفاف شخصی خود ندارند. این امور، سبب شده هر کس به نوعی به فکر تولید برای مصرف خود باشد، نه تأمین نیاز دیگران و این یعنی، فردگرایی اجتماعی.

نتیجه‌گیری

در این مقاله، اصولی از سبک زندگی اهل بیت (ع) را در تناظر با آثار حکومت استبدادی در عرصه‌های فردی (بینش‌ها، گرایش‌ها و کنش‌ها)، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی بررسی کردیم. بررسی جامعه‌شناختی حکومت استبدادی و مطالعه بازتاب‌های آن در اجتماع و روابط اجتماعی، نشان می‌دهد که این نوع حکومت، مانع از تحقق سبک زندگی اهل بیت (ع) در جامعه می‌شود. هرچند اعضای جامعه، از مؤلفه‌های این سبک زندگی آگاه هستند و در مرحله شفاهی و زبانی، آن را پذیرفته‌اند، ولی فضا و زمینه اجتماعی و سیاسی، مانع از پای‌بندی عملی به این سبک زندگی می‌شود. همچنین از سوی مطالب این مقاله، به معنای جبر اجتماعی در تسلط این فضای سیاسی، در عرصه سبک زندگی نیست و از سوی دیگر، طبیعی است که اصلاح میراث نسلی و اجتماعی، به گذشت زمان نیاز دارد و نباید انتظار داشت آثار سیاسی - اجتماعی چندین قرن حکومت استبدادی، در طول چند دهه برطرف شود.

به نظر می‌رسد در مقابل سبک زندگی اهل بیت (ع) که روحیه‌ای جمع‌گرایانه و اجتماعی دارد، برآیند تأثیر استبداد بر سبک زندگی در ایران، موجب شده سبک زندگی ایرانیان، به الگویی فردگرایانه رو کند که سبب می‌شود مردم بیشتر به زندگی در قلمرو رفع نیازها و تحقق منافع و مصالح شخصی و خصوصی گرایش داشته باشند. قانون‌شکنی و نبود وجدان کاری نیز نمود اجتماعی این سبک زندگی است. البته مؤلفه‌ها و مصداق‌های زیادی برای جمع‌گرایانه بودن الگوی زندگی ایرانیان وجود دارد، مانند: جریان فتوت و عیاران، وقف و امور خیریه، نهضت‌ها و جنبش‌های اجتماعی، همیاری و تعاون در روستاها، (ر.ک: فرهادی، ۱۳۷۶: ۳۰ - ۳۱۷ / صفی‌نژاد، ۱۳۶۸: ۲۱ - ۵۳۸ / ودیعی، ۱۳۴۸: ۱۷۳ و ۱۷۴) شبکه ارتباط سنتی (ر.ک: فرقانی، ۱۳۸۲) و اشعار و سرودهای میهن‌پرستانه که بیان‌کننده توجه به سرنوشت مشترک، ملیت و هویت ملی‌اند. (ر.ک: کاظمی، ۱۳۷۹: ۸۷ - ۱۲۰) بنابراین باید از تعمیم روحیه‌های فردگرایانه به همه دوره‌ها و همه ایرانیان پرهیز کرد و با توجه به اینکه این روحیه‌ها، ذاتی ایرانیان نیست، باید بیشتر بر شرایط سیاسی و اجتماعی بروز این روحیه‌ها تمرکز کرد. (ر.ک: مفتخری، ۱۳۷۹: ۲۰۸ و ۲۰۹)

۱. ابن ابی جمهور، محمد بن علی بن ابراهیم الاحسانی (۱۴۰۳ ق / ۱۹۸۳ م)، عوالی اللتالی العزیزیه فی الاحادیث الدینیّه، مطبعه سیدالشهدا.
۲. ابن جبیر، علی بن یوسف (۱۳۷۶)، نهج الایمان، تحقیق احمد الحسینی، مشهد، مجتمع امام هادی علیه السلام.
۳. اربلی، علی بن عیسی (۱۳۸۱ ق)، کشف الغمه فی معرفه الأئمه، ج ۲، تبریز، مکتبه بنی هاشمی.
۴. ارسطو (۱۳۵۸)، سیاست، ترجمه حمید عنایت، تهران، شرکت سهامی کتاب‌های جیبی.
۵. ازغندی، علیرضا (۱۳۷۶)، ناکارآمدی نخبگان سیاسی در ایران بین دو انقلاب، تهران، انتشارات قومس.
۶. استوارت میل، جان (۱۳۷۶)، «تأثیر حکومت در پروراندن خصال ملی یک قوم»، مجموعه مقالات زبان‌های استبداد از آثار گزنفن، افلاطون، جان استوارت میل، ترجمه جواد شیخ الاسلامی، تهران، انتشارات قومس.
۷. الحرانی، ابن شعبه (۱۴۰۴ ق)، تحف العقول عن آل الرسول، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
۸. بروکلیمان، کارل (۱۳۴۶)، تاریخ ملل و دول اسلامی، ترجمه هادی جزایری، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۹. بیرو، آلن (۱۳۷۵)، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه باقر ساروخانی، تهران، انتشارات کیهان.
۱۰. یمن، ویلیام (۱۳۸۱)، زبان، منزلت و قدرت در ایران، ترجمه رضا ذوقدار مقدم، تهران، نشر نی.
۱۱. پاینده، ابوالقاسم (۱۳۸۵)، نهج الفصاحه (کلمات قصار پیامبر اسلام)، به اهتمام: غلامحسین مجیدی خوانساری، قم، انصاریان، چاپ دوم.
۱۲. پتر نولتینگ، هانس (۱۳۷۸)، روش‌های پرهیز از اعمال زور، تهران، نشر آترویات.
۱۳. تیمیمی آمدی، عبدالواحد (۱۳۶۰)، قرر الحکم و درر الکلم، ترجمه و شرح: آقا جمال‌الدین خوانساری، تحقیق: میرجلال‌الدین محدث ارموی، تهران، دانشگاه تهران.
۱۴. توسلی، غلامعباس (۱۳۷۳)، نظریه‌های جامعه‌شناسی، تهران، سمت، چاپ چهارم.
۱۵. رضاقلی، علی (۱۳۷۰)، جامعه‌شناسی خودکامگی (تحلیل جامعه‌شناختی ضحاک ماردوش)، تهران، نشر نی.
۱۶. رنه، هانری (۱۳۳۵)، سفرنامه از خراسان تا بختیاری، ترجمه فرهوشی (همايون)، تهران، امیرکبیر - ابن سینا.
۱۷. زرنر، آر، سی (۱۳۷۵)، طلوع و غروب زرتشتی‌گری، ترجمه تیمور قادری، انتشارات فکر روز.
۱۸. سگالن، مارتین (۱۳۷۰)، جامعه‌شناسی تاریخی خانواده، ترجمه مجید الیاسی، تهران، نشر مرکز.
۱۹. سلیم، غلامرضا (۱۳۵۲)، «سخنی چند درباره ریشه‌های اصل تعاون در ایران»، نشریه تحقیقات تعاونی، تهران، مؤسسه تحقیقات تعاونی.
۲۰. سیف، احمد (۱۳۷۹)، پیش درآمدی بر استبداد سالاری در ایران، تهران، نشر چشمه.
۲۱. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر (۱۴۱۴ ق)، الدر المنثور فی تفسیر المأثور، بیروت، دارالفکر.

۲۲. شریفی، احمدحسین (۱۳۹۲)، سبک زندگی اسلامی ایرانی، به سفارش: مرکز پژوهش‌های علوم انسانی اسلامی صدا، تهران، آفتاب توسعه.
۲۳. صدوق، محمدبن علی بن بابویه (۱۳۸۴)، خصال، ترجمه و شرح: محمدباقر کراهی، تهران، کتابچی.
۲۴. _____ (۱۴۰۰ق)، الامالی، بیروت، مؤسسه علمی.
۲۵. صفی‌نژاد، جواد (۱۳۶۸)، بنه (نظام‌های زراعی سنتی در ایران)، تهران، امیرکبیر.
۲۶. _____ (۱۳۶۸)، درآمدی فلسفی بر تاریخ اندیشه سیاسی در ایران، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
۲۷. طبرسی، فضل‌بن‌حسن (۱۴۰۸ق)، مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن (تفسیر مجمع‌البیان)، تحقیق: سیدهاشم رسولی محلاتی و سید فضل‌الله یزدی طباطبایی، بیروت، دارالمعرفه.
۲۸. غزالی، محمدبن محمد (۱۳۸۹)، نصیحة الملوک، تصحیح: عزیزالله علیزاده، تهران، فردوس.
۲۹. فرقانی، محمدمهدی (۱۳۸۲)، درآمدی بر ارتباطات سنتی در ایران، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
۳۰. فرهادی، مرتضی (۱۳۷۹)، «چون و چراهایی بر نظریه تکروی و فردگرایی تاریخی ایرانیان و به ویژه کشاورزان ایرانی»، در: مجموعه مقالات همایش «بررسی علل و عوامل تقدم مصالح جمعی بر منافع فردی»، تهران، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۳۱. _____ (۱۳۷۶)، فرهنگ یادگیری در ایران، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
۳۲. فولر، گراهام (۱۳۷۳)، قبله عالم، ترجمه عباس مخبر، تهران، نشر مرکز.
۳۳. قاضی‌مرادی، حسن (۱۳۷۸)، تهران، در پیرامون خودمداری ایرانیان، تهران، ارمغان.
۳۴. کلینی، محمدبن‌یعقوب (۱۴۰۱ق)، الکافی، تحقیق: علی‌اکبر غفاری، بیروت، دارصعب و دار التعارف.
۳۵. لمبتون، آن کاترین سواين فورد (۱۳۴۵)، مالک و زارع در ایران، ترجمه منوچهر امیری، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۳۶. لوسین، گلدمن (۱۳۷۱)، دفاع از جامعه‌شناسی رمان، ترجمه محمد پوینده، انتشارات هوش و ابتکار.
۳۷. _____ (۱۳۶۹)، نقد تکوینی، ترجمه محمدتقی غیائی، انتشارات بزرگمهر.
۳۸. مارکس، کارل (۱۳۵۲)، سرمایه، ترجمه ایرج اسکندری، تهران، حزب توده ایران.
۳۹. _____ (۱۳۵۸)، فرمانروایی بریتانیا در هندوستان، ترجمه حسین تحویلی، تهران، انتشارات علم.
۴۰. ماهروی، هوشنگ (۱۳۸۱)، تبارشناسی استبداد ایرانی ما، تهران، نشر بازتاب نگار.
۴۱. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (۱۴۱۲ق)، بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار، بیروت، تحقیق دار احیاء التراث.
۴۲. محسنی، منوچهر (۱۳۷۵)، بررسی آگاهی‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای اجتماعی و فرهنگی در ایران، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۴۳. محمدی ری‌شهری، محمد (۱۳۸۳)، میزان الحکمه، ترجمه حمیدرضا شیخی، قم، مرکز تحقیقات دارالحدیث، چاپ چهارم.

۴۴. معیدفرد، سعید (۱۳۷۹)، «تبیین جامعه‌شناختی تقدم مصالح فردی بر مصالح جمعی در ایران»، در: مجموعه مقالات همایش بررسی علل و عوامل تقدم مصالح جمعی بر منافع فردی، تهران، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی.

۴۵. مفتخری، حسین (۱۳۷۹)، «بررسی علل و عوامل تقدم منافع فردی بر مصالح جمعی در ایران (از دیدگاه تاریخی)»، در: مجموعه مقالات همایش بررسی علل و عوامل تقدم مصالح جمعی بر منافع فردی، تهران، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی.

۴۶. مفید، محمدبن نعمان (۱۴۰۴ق)، الامالی، تحقیق: حسین استادولی و علی‌اکبر غفاری، قم، مؤسسه نشر اسلامی.

۴۷. منتسکیو، شارل لوئی دوسکوندا (۱۳۶۲)، روح القوانین، ترجمه کریم مجتهدی، تهران، امیرکبیر.

۴۸. منطقی، مرتضی (۱۳۷۹)، «نگاه دوباره‌ای به مسئله جامعه‌پذیری جوان انقلاب اسلامی»، در: مجموعه مقالات همایش. بررسی علل و عوامل تقدم مصالح جمعی بر منافع فردی، تهران، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی، انتشارات باز.

۴۹. مهدوی کنی، محمدسعید (۱۳۸۷)، دین و سبک زندگی، تهران، دانشگاه امام صادق(ع)، چاپ دوم.

۵۰. نراقی، حسن (۱۳۸۵)، ناگفته‌ها، تهران، اختران.

۵۱. هندی، علی منتقی بن حسام‌الدین (۱۳۹۷ق)، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، تصحیح صفوة السقا، بیروت، مکتبة التراث الاسلامی.

۵۲. هیل، مایکل (۱۳۸۱)، تأثیر اطلاعات بر جامعه، ترجمه محسن نوکارتیزی، تهران، چاپار.

۵۳. واتسن، رابرت گرنٹ (۱۳۵۸)، تاریخ ایران دوره قاجاریه، ترجمه ع. وحید مازندرانی، تهران، امیرکبیر.

۵۴. بنت، فرانسیسکو (۱۳۴۷)، «نوسازی زندگی روستایی و دامپروری در منطقه زاگرس»، نامه علوم اجتماعی، دوره اول، ش ۱.

۵۵. پیران، پرویز (۱۳۷۷)، «زمینه‌های فقدان مشارکت جمعی در ایرانیان (شورا ماشین تخریب حکومت نیست)»، روزنامه صبح امروز، شنبه ۱۳۷۷/۱۱/۱۰.

۵۶. زیمل، گئورگ (۱۳۸۰)، «تضاد فرهنگ مدرن»، ترجمه هاله لاجوردی، فصلنامه ارغنون، ش ۱۸، پاییز ۱۳۸۰.

۵۷. کاظمی، بهمن (۱۳۷۹)، «همبستگی و هویت ملی در ترانه‌های قومی»، فصلنامه مطالعات ملی، سال اول، ش ۴، تابستان ۱۳۷۹.

۵۸. موذن، یدالله (۱۳۷۳)، «مفهوم استبداد شرقی»، نگاه نو، ش ۲۳، آذر و بهمن ۱۳۷۳.

59. (e.s.s): sills, david L. & merton, R.K, 1991, international encyclopedia of the social sciences, new york, macmillan.

60. Berelson and steiner, 1964, human behaviour, harout brace & world pub.

61. Bourdieu, pierre, 1984, distinction, London, routledge & kegan paul.

62. Brown, roger, 1965, psychology& social structure, new york, the free press.

63. Fern, Edward F., 2001, advanced focus group research, London, sage.

64. Giddens, a., 1996, in defence of sociology, cambridge, polity press.

65. Leslie, Gerald r. & Larson, Richard f. & Gorman, Benjamin L., 1994, introductory sociology, oxford, oxford Un. Press.
66. Van houten, 1970, the behaviorial sciences, Addison-wesley pub.
67. Vanfossen, beth, 1979, the structure of social inequality, little brown and company.

فصلنامه

علمی

پژوهشی

مستقیم